

بررسی تأثیر آگاهی شهروندی در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

(مطالعه موردی ۵ منطقه شهر تهران)

وحید صالحی^۱، محمدصادق جلالی‌راد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

چکیده:

ایران در چشم‌انداز آرمانی خود به دنبال ایجاد تمدن اسلامی است و بر همین اساس سند راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تدوین نموده است و اگر اهداف این الگو در طی یک فرآیند زمانی مشخص تحقق پیدا کند، کشور در زمینه سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، کشاورزی، زیست محیطی، پزشکی و.. پیشرفت نموده و زمینه‌ساز ظهور تمدن نوین اسلامی خواهد شد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر آگاهی شهروندی در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی می‌باشد. روش پژوهش از جنبه هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی تحقیق پیمایشی و از نظر ماهیت توصیفی و ابزار مورد نظر پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری مورد پژوهش از بین شهروندان ساکن در محلات ۵ منطقه منتخب شهر تهران (۲ و ۵ و ۱۲ و ۱۸ و ۲۱) و روش نمونه‌گیری با تصادفی ساده می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که آگاهی‌های محیط زیستی، آگاهی‌های آموزش شهروندی و آگاهی‌های مرتبط با قوانین و مقررات شهری بیشترین نقش را در ارتقاء الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی دارد. نتایج این پژوهش بیانگر این واقعیت است که افزایش دانش و آگاهی شهروندی در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی نقش بسزایی در پیشبرد الگو دارد و منافع بالقوه‌ای را برای حکومت در پی دارد.

واژگان اصلی: آگاهی شهروندی، دانش شهروندی، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شهر تهران.

۱. دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران
 ۲. دانش آموخته دکتری سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
- (نویسنده مسئول)
- mohammad_jalalirad@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

اگرچه اهمیت شهروندی هرگز مورد انکار نبوده، اما در دو دهه اخیر وضعی تعیین‌کننده پیدا کرده است. این مفهوم ابتدا به موازات گرایش دوباره به جامعه مدنی در اواخر دهه ۱۹۸۰ احیاء گردیده و تا به امروز بحث‌های زیادی حول آن سامان گرفته است و در ادامه دانش و آگاهی شهروندان همواره یکی از مؤلفه‌های اصلی زندگی انسان در مسیر جست‌وجوی فردایی بهتر و پیشرفت و توسعه بیشتر بوده است. آگاهی شهروندان موجب رسیدن به حقی است که جامعه برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. میزان و نوع دانش و آگاهی در همه دوره‌های تاریخ منشأ اثر بوده است، هرچه قدر دانش و آگاهی بیشتر شود، بشر مؤثر، فعال، پاسخگو و موجب مشارکت بیشتر و بهتر در همه سطوح زندگی و جامعه می‌شود. اما باید در نظر داشت که گرچه آگاهی افراد خود عاملی اساسی در هرگونه دگرگونی و خواست عمومی به شمار می‌آید و این آگاهی به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است و دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسائل جاری در یک حوزه خاص دارد، اما خودبه‌خود و بدون پشتوانه حادث نمی‌شود و متغیرهای مختلفی می‌توانند در ایجاد آن مؤثر باشند.

از آنجا که نیاز به تحقق الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی اهمیت فراوانی یافته و از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب تأکید فراوانی بر این مهم دارند، ضرورت آموزش، تقویت و ارتقای آگاهی شهروندی روزبه‌روز در حال افزایش است. و بدون هیچ اغراقی از میان همه عوامل تأثیرگذار بر تحقق الگوی پیشرفت، نقش آگاهی شهروندی بسیار پررنگ‌تر و جدی‌تر است، زیرا آگاهی مردم از حیث حقوق و مسئولیت‌ها زمینه تحقق این سند بنیادین را فراهم می‌کند و این مهم از وظایف سنگین همه مسئولین و مدیران و آحاد جامعه است. زیرا راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و قوانین در خلاء آگاهی شهروندی، به نتیجه قابل توجهی نخواهد رسید. به همین منظور پرسش اصلی آن است که آگاهی شهروندی چه تأثیری در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی دارد؟

آگاهی شهروندی

آگاهی مترادف با خبر، اطلاع، هوشیاری، علم و معرفت (عمید، ۱۳۸۴: ۸۳) است و «آگاه» صفت یک شخص یا گروه اجتماعی است که دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال و مسائل جاری (در

یک حوزه خاص) دارد (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹: ۴۲).

آگاهی یا شعور شناخت بشر می‌باشد. بشر از راه آگاهی می‌تواند گذشته، حال و آینده را به یکدیگر مرتبط نماید. برخی از صاحب‌نظران، آگاهی را فرآیند سازمان‌دهی، تبیین، تفسیر ارتباط اطلاعاتی دانسته‌اند که توسط حواس جمع‌آوری می‌شود. به این اعتبار دانش در مفهوم آگاهی عبارت از مجموعه‌ای از اطلاعات منظم، تفسیر شده و مرتبطی است که هر یک از ما آن را دارا هستیم و در طیف وسیعی از باورها و روش‌های سستی و قومی تا الگوهای عملی قرار دارند و در تکوین آن عواملی مثل خانواده، دوستان و وسایل ارتباط‌جمعی دخالت دارند. یکی از مهم‌ترین ابعاد شهروندی داشتن «دانش و آگاهی شهروندی» است. دانش شهروندی از عقاید و اطلاعات بنیادی تشکیل می‌شود که افراد باید بدانند و به کار ببرند تا شهروندان مؤثر و مسئولی باشند. دانش شهروندی عبارت است از کسب دانش و جست‌وجوی دانایی، مشارکت فعال، مسئولیت‌پذیری، و داشتن آگاهی در زمینه موضوع‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی (ساعی ارسلی و احمدی، ۱۳۹۶).

دانش شهروندی موجب رسیدن به حقی است که جامعه برای آن‌ها در نظر می‌گیرد و در کامل‌ترین معنای آن، باید مؤثر و فعال بود. یافته‌های تحقیق‌ها پیشین حاکی از آن است که افزایش دانش شهروندی موجب مشارکت بیشترها برای ادای تکالیف و وظایف شهروندی می‌باشد.

ابعاد آگاهی شهروندی

- ۱- بعد فرهنگی شهروندی، بر ملاحظه و در نظر گرفتن تنوع و تعدد فرهنگی و احترام و به رسمیت شناختن ارزش‌ها و فرهنگ‌های دیگر در سطح اجتماع تأکید دارد.
- ۲- بعد اجتماعی شهروندی، که به خدمات رفاهی مربوط می‌شود مانند حق برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش، بهداشت و امنیت و تأمین اجتماعی (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۵۶).
- ۳- بعد اقتصادی شهروندی، نیز ناظر بر میزان دستیابی فرد به بازار کار و مصرف و حق کار کردن همراه با حداقل فقر و ناتوانی می‌باشد.
- ۴- بعد سیاسی شهروندی، که ناظر بر رابطه‌ی فرد با دولت می‌باشد، مانند حق برخورداری از رأی، عضویت و مشارکت سیاسی؛
- ۵- بعد مدنی شهروندی، به حقوق فرد در برابر قانون اطلاق می‌گردد، مانند حق برخورداری از آزادی بیان، عدالت و فقدان تبعیض، مالکیت، مذهب و حق دادرسی یکسان در برابر قانون (نیازی و نصرآبادی،

۱۳۹۲: ۴۰).

مؤلفه‌های آگاهی شهروندی

الف- بعد فرهنگی: شامل نقش فناوری اطلاعاتی و رسانه‌های گروهی، آگاهی از وضعیت فرهنگ‌های مختلف، میراث فرهنگی، شناخت ارزش‌ها و هنجارهای محلی و ملی، تاریخ و پیشینه شهرنشینی، حفظ و مراقبت از محیط‌زیست.

ب - بعد سیاسی: این بعد شامل آگاهی شهروند از مفهوم دموکراسی و مردم‌سالاری، آگاهی از مفهوم شهروندی دموکراتیک، ساختارهای سیاسی و فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطوح مختلف، احزاب سیاسی، گروه‌های و نظام‌های، رأی‌گیری و رأی‌دهی، مشارکت سیاسی و اشکال مشارکت، آگاهی نسبت به کارکرد تشکل‌های مردم نهاد، آگاهی از مسائل سیاسی جاری و روزمره، نقش رسانه‌ها در آگاهی بخشی سیاسی، میزان آگاهی از بودجه‌ریزی شهر و کشور، آگاهی از سیاست‌های حقوقی و قضایی موجود در کشور.

ج- بعد اجتماعی: این بعد شامل آگاهی نسبت به سرخوردگی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، حفاظت از حقوق شهروندی، آگاهی نسبت به همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های مختلف جامعه (مثل گروه‌های اقلیت)، تلاش برای ایجاد عدالت اجتماعی، حساسیت نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی، تلاش در جهت ایجاد امنیت اجتماعی، رفاه عمومی، سوادآموزی، سلامت و بهداشت عمومی.

د- بعد اقتصادی: این بعد شامل آگاهی نسبت به بازارهای اقتصادی، ابعاد زیست‌محیطی رشد اقتصادی، چالش‌های موجود در زمینه همکاری‌ها و روابط اقتصادی، آشنایی با قانون کار، آشنایی با شرایط و ضوابط اشتغال، اصلاح و بهبود ویژگی‌های شغلی، حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، مشارکت دادن اقلیت‌ها در فرآیند فعالیت‌های اقتصادی.

ه- بعد مدنی: این بعد شامل آگاهی از عدالت و آزادی بیان، آگاهی نسبت به مالکیت فردی، شناخت دادرسی یکسان در برابر قانون، آگاهی از حقوق فردی از قوانین موجود و جاری، شناخت و آگاهی نسبت به تبعیض‌ها (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۹۲، ۴۳).

پیشینه پژوهش

با مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته، تحقیقی که به وضوح به بررسی تأثیر آگاهی شهروندی

بر ارتقاء الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی توجه نماید مشاهده نشد. علی‌رغم این امر، پژوهش و تحقیقات نسبتاً مرتبط به شرح زیر توسط پژوهشگران انجام گرفته است:

کاویانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی» زمینه‌ای برای کمی سازی و سنجش سبک زندگی فراهم ساخت. وی با مطالعه متون اسلامی و روان‌سنجی، پرسشنامه‌ای ۱۳۵ سؤالی تهیه نمود. جامعه آماری در پژوهش وی را دانشجویان دانشگاه اصفهان و طلبه‌های حوزه علمیه قم در سطح کارشناسی تشکیل دادند. ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و دو آزمون سبک زندگی اسلامی (محقق ساخته) جهت‌گیری مذهبی روی آن‌ها اجرا شد. داده‌ها با روش تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ و تحلیل انوا بررسی شد و نتایج نشان داد که آزمون سبک زندگی اسلامی از پایایی ۰/۷۸۶ برخوردار است. نتایج تحلیل عوامل نیز روایی و ساختار عاملی مناسبی را نشان داد. به‌طورکلی، کاویانی نتیجه گرفت که سبک زندگی اسلامی قابل کمی شدن است و آزمون ساخته‌شده توسط وی، ویژگی‌های لازم روان‌سنجی را دارد.

کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران» نشان دادند که بین محل تولد و سکونت و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی بین کسانی که از ابتدا در تهران متولد شده و زندگی می‌کنند، با افرادی که در شهرهای کوچک به دنیا آمده و برای ادامه تحصیل به تهران آمده‌اند؛ در میزان آگاهی از حقوق شهروندی تفاوت وجود دارد. بین متغیرهای مستقل جنس و پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان و متغیر وابسته آگاهی از حقوق شهروندی و نیز نگرش نسبت به حقوق شهروندی رابطه ضعیفی وجود دارد.

ملاحظات نظری و مفهومی

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و بر اساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است. مبانی، اهم پیشفرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهانشمول معطوف به پیشرفت را ارائه می‌دهد. آرمان‌ها،

ارزش‌های فرازمانی - فرامکانی و جهت بخش پیشرفت است. مبانی و آرمان‌ها وجه اسلامیت الگو را تضمین می‌کند. رسالت، میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت است. افق، آرمان‌های الگو را بر جامعه و زیست‌بوم ایران در نیم قرن آینده تصویر می‌کند و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعده معین می‌سازد. تدابیر، تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفا ساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به منظور رسیدن به افق است (سند پایه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۳۹۷).

در ادامه به تبیین چهار وجه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یعنی مفهوم پیشرفت، مفهوم الگو، وجه اسلامیت و وجه ایرانییت آن به ارائه مفهومی جامع‌تر از این الگو پرداخته می‌شود.

پیشرفت

پیشرفت به معنی حرکت تکامل فردی و اجتماع به سوی اهداف مطلوب در عرصه‌های مختلف زندگی در چارچاب مبانی، ارزش‌ها و احکام اسلامی است. الگوی پیشرفت، چارچاب مفهومی - نظری کلان و منسجمی است که وضعیت مطلوب جامعه را در امتداد ارزش‌های آرمان در قالب افق زمانی معین تصویر کرده و نقشه راه دستیابی به آن را نشان می‌دهد و راهنمای عمل حکمرانی پیشرفت در ابعاد فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد (واژه‌نامه سند اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۴۰۰: ۱).

الگوی اسلامی

در طول تاریخ، تمدن‌های بزرگ بر اساس ارزش‌های الهی، اصول معرفتی و عقلانی و همچنین به وسیله ابزارهای متنوع زندگی در وضعیتی امن تحت حمایت حکومت‌های قدرتمند شکل گرفته و تداوم یافته‌اند. «در پشت تمدن‌های بزرگ تاریخی یک دین یا آیین مذهبی نهفته است؛ مکتبی که نتواند فرهنگ‌ساز باشد، نمی‌تواند فرهنگ را به تمدن تبدیل کند و کالبد عینی و فیزیکی به آن بدهد. فرهنگ اسلامی در دوره‌های مختلف تبدیل به تمدن شده است» (مطهری‌نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱: ۸).

اسلامی بودن الگو به این معنا است که مبانی و آرمان‌های الگو با آموزه‌های مستنبط از منابع اسلامی منطبق است؛ ارزش‌ها و هنجارهای آن با ارزش‌ها و اخلاق اسلامی سازگار بوده و تدابیر آن در چارچوب احکام اسلامی طراحی شده است (واژه‌نامه سند اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۴۰۰: ۱).

الگوی ایرانی

ایرانی بودن الگو به این معنا است که الگو حلال مسائل اساسی کشور، شکوفا کننده قابلیت‌های ماندگار ملی (آب و هوا، منابع طبیعی، فرهنگ و ادب)، بهره‌مند از تجارب و حکمت‌های ملی، ارتقاء

بخش مهارت‌های حرفه‌ای بومی، تهیه شده با مشارکت نخبگان ایرانی، انعکاس دهنده مطالبات تاریخی مردم ایران، آگاه از روحیات عمومی ایرانیان، فعال‌کننده قابلیت‌های ژئوپلیتیک و منطبق بر اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی است (واژه‌نامه سند اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۴۰۰: ۱).

همانطور که عنوان اسلامی بودن، دلالت دارد بر امور ثابت و لایتغیر در الگو، عنوان ایرانی بودن نیز دلالت دارد بر امور متغیر و قابل تغییر مثل فرهنگ، سنت و نوع جوامع که بنا بر اقتضائات مکانی-زمانی، از جامعه‌ای به جامعه دیگر قابل تغییر می‌باشد (گلدانی و قربانپور، ۱۴۰۱: ۱۶). از اینرو، اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن به دو جهت است:

الف- به لحاظ اینکه فکر و ابتکار ایرانی این الگو را به دست آورده است. اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود، ولی این ملت ما بوده که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند؛
ب- به لحاظ اینکه الگوی توسعه‌ی اسلامی با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران تطبیق داده شده است. به همین جهت ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد (میرمعزی، ۱۳۹۳).

ابعاد الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

بر اساس رهنودها و تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ترسیم گردید. ابعاد اصلی این الگو سه بعد ۱- ایمان؛ ۲- علم؛ ۳- عدل می‌باشد. «اسلام الگوی مستقل خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدیِ خالص که این ایمان توحیدیِ خالص، هم در ساخت شخصیت انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، هم در ساخت جامعه و قواره‌ی عمومی جامعه اثر می‌گذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گستره‌ی بی‌انتهای [آن] -هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] تسخیر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند اینها- جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج می‌کند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرف‌ها. این علم شامل همه‌ی این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده» (آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۹۹/۰۶/۰۲).

الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در

عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده است. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب نظران ایرانی و بر اساس جهان بینی و اصول اسلامی و ارزش های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان ها، رسالت، افق و تدابیر است. مبانی، اهم پیش فرض های اسلامی، فلسفی و علمی جهان شمول معطوف به پیشرفت را ارائه می دهد. آرمان ها، ارزش های فرا زمانی - فرامکانی و جهت بخش پیشرفت است. مبانی و آرمان ها وجه اسلامیت الگو را تضمین می کنند. رسالت، میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت است. افق، آرمان های الگو را بر جامعه و زیست بوم ایران در نیم قرن آینده تصویر می کند و هدف های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعد معین می سازد. تدابیر، تصمیمات و اقدامات اساسی و بلند مدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفا ساختن قابلیت های ماندگار ملی به منظور رسیدن به افق است (سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷).

مبانی سند شامل:

۱- مبانی خداشناختی، ۲- مبانی جهان شناختی، ۳- مبانی انسان شناختی، ۴- مبانی جامعه شناختی، ۵- مبانی ارزش شناختی و ۶- مبانی دین شناختی
آرمان های سند شامل:

آرمان های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش های بنیادین فرا زمانی و فرامکانی جهت دهنده پیشرفت است. مبنای ترین این ارزش ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش های تشکیل دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانونمداری، عدالت همه جانبه، تعاون، مسئولیت پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی.

رسالت سند شامل:

رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمانها در زیست بوم ایران است.

افق سند شامل:

در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دیندار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) و با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی و روحیه جهادی، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی و شاغل در حرفه متناسب‌اند و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند. در سال ۱۴۴۴ ایران از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته می‌شود و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی است.

نقش مردم و شهروندان در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

مردم و شهروندان که در کلام امامین انقلاب صاحبان اصلی نظام اسلامی هستند و الگوی اسلامی - ایرانی برای اعتلای آنان صورت گرفته، و مشارکت و همراهی آنان نقش تعیین‌کننده‌ای برای تحقق آن دارد. حضرت امام خمینی(ره) مردم را مهم‌ترین عامل در پیشرفت و تکامل جامعه و تحقق برنامه‌های مورد نظر کشور دارد. بر همین اساس مقام معظم رهبری نیز در تبیین نقش مردم و شهروندان در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی چنین می‌فرماید: «یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارةً اخراى یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ این موضوع را می‌خواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است، باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. بحث کنیم درباره‌ی اینکه در زمینه‌ی سبک زندگی چه باید گفت، چه می‌توان گفت. عرض کردیم؛ این سرآغاز و سرفصل یک بحث است...» (آیت الله خامنه‌ای(مدظله العالی)، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

نظریه‌های شهروندی

تلاش برای فهم نقش‌ها و مسئولیت‌های مناسب شهروندی به فلسفه یونان باستان برمی‌گردد. در واقع آن طور که نظریه‌پرداز سیاسی جی پوکاک ۱ اظهار می‌دارد تاریخچه مفهوم شهروندی در اندیشه

سیاسی غربی را می‌توان یک «دیالوگ بی‌پایان» بین واقعیت و آرمان و بین اشخاص و اشیا در نظر گرفت (پوکاک ۱، ۱۹۹۵: ۴۲). به نظر پوکاک برداشت کلاسیک از شهروندی که به بهترین وجه «آرمانی» بیان شده است را می‌توان نخستین بار در کتاب «سیاست ارسطو» پیدا کرد. در این دیدگاه، شهروند در کار شهر درگیر می‌شود، چون از طریق مداخله و درگیر شدن شهروند در امور شهر است که شهروند می‌تواند به انسانیت کامل دست یابد (ارسطو فقط بر مردان تأکید دارد). بعلاوه، انسان‌ها موجوداتی فعال، اجتماعی و اخلاقی بوده و به دنبال اهداف در زندگی هستند. انسان‌ها در پی دستیابی به اهداف می‌باشند و باید اینگونه نیز رفتار کنند تا به استقلال برسند. بنابراین، شهروند حکومت می‌کند و بر شهروند حکومت نیز می‌شود: شهروندان برای تصمیم‌گیری به یکدیگر می‌پیوندند که در این فرآیند هر تصمیم‌گیرنده‌ای نسبت به دیگران دارای اقتدار می‌باشد و تمام شهروندان شرکت‌کننده در تصمیم‌گیری باید از تصمیمات گرفته شده اطاعت کنند (پوکاک، ۱۹۹۵: ۳۱). شهروندان بیشتر نگران دستیابی به «اهداف» در زندگی اجتماعی هستند تا «ابزارهای» صنعت یا تولید. شهروندی به عنوان یک فعالیت ابزاری دیده نشده است (ابزاری برای رسیدن به هدفی). شهروند فعال بودن خودش یک هدف است. فعال بودن برای کسب آزادی از طریق مشارکت در طرز حکومت و اداره کردن ارزشمند تلقی شده است.

یورگن هابرماس ۲ در نظریه خود ارائه تعریفی از شهروند، شهروندی و حقوق اساسی یک شهروند می‌پردازد. از نظر او، شهروند به فردی اطلاق می‌شود که از حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد. شهروندسازی مستلزم حق تعیین سرنوشت توسط افراد جامعه است. چنانچه افراد جامعه حقی در تعیین سرنوشت و آینده خود نداشته باشند؛ شهروند محسوب نمی‌شوند. فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه شهروندی از نوع «فرهنگ مشارکتی» است. در فرهنگ مشارکتی افراد جامعه به صورت نهادمند در تعیین سرنوشت خویش مشارکت داده می‌شوند. نقطه مقابل فرهنگ مشارکتی فرهنگ انفعالی یا تبعی محسوب می‌شود. تقلید کورکورانه و انفعالی از تحولات محیطی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی تبعی - انفعالی محسوب می‌شود. شهروند نسبت به پیرامون خود به رفتار تعاملی می‌پردازد، در تعامل اجتماعی هویت مدنی ساخته می‌شود و ذهن شهروند از نوع استدلالی - استقرایی شکل می‌گیرد. سنجش شهروند از محیط بر اساس عقلانیت است و شهروند زبان را به عنوان ابزار خود برای اقناع

۱. Pocock

۲. Jürgen Habermas

دیگری در حوزه روابط اجتماعی بر زور و سلطه ترجیح می‌دهد. قانونمندی رفتاری از ویژگی‌های دیگر شهروندی محسوب می‌گردد. زندگی شهروندی خود را بر اساس تساهل، تسامح و تکثرگرایی عقیدتی سازمان‌دهی می‌نماید. در این راستا آزادی بیان جزء لاینفک زندگی مدنی شهروندی قلمداد می‌گردد. آزادی بیان خود را مادر تمام آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌داند. آزادی بیان یعنی اینکه شهروندان بتوانند عقاید فلسفی، سیاسی و مذهبی خود را بدون ترس در حوزه عمومی و رسمی بیان نمایند. به گفته یورگن هابرماس، حوزه عمومی سالم، حوزه گفتگوی آزاد و برابر در عرصه اجتماع است. بدون آزادی بیان نمی‌توان بالندگی شهروندی را منتظر بود. از نظر هابرماس حق مدنی، اجتماعی و سیاسی شهروندی وجود دارد (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۵).

یورگن هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی- سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. به نظر هابرماس شهروندی را صرفاً می‌توان در چارچوب دستاوردهای تاریخی که ناشی از پدید آمدن نظام سرمایه‌داری مدرن است درک کرد. وی معتقد است جایگاه شهروندی در جامعه مدرن وجود دارد (جلالی‌پور و محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۴).

نظریه‌های آگاهی شهروندی

آگاهی به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است که دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسائل در یک حوزه خاص دارد (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۳۱)؛ اما آنچه اهمیت دارد کیفیت آگاهی است که به نسبت قابل‌توجهی برحسب افراد متفاوت است؛ یعنی برخی نسبت به دیگران آگاه‌ترند. چه چیزی سبب این امر می‌شود؟ از آنجاکه آگاهی را شکل به عرصه عمل رسیده اطلاعات تعریف کرده‌اند، هرچه فرد اطلاعات بیشتری درباره یک موضوع خاص، به‌طور مثال مسئولیت خود، داشته است، به همان میزان آگاهی بیشتری نیز دارد. اگر دسترسی آسان به اطلاعات قابل‌اعتماد وجود داشته است، آگاهی افراد از حقوق خود به‌طور مداوم بهبود می‌یابد.

در این مورد نیز نظریاتی مطرح می‌باشد:

جان رالز یکی از صاحب‌نظران مکتب لیبرالیسم در دوره‌ی جدید اشاره کرد که شهروندی را بر پایه حقوق برابر توصیف می‌کند. به نظر رالز، اگر شهروندان خود را افرادی آزاد و برابر حساب آورند، درمی‌یابند که برای حرکت در جهت نفع عمومی و مشترک، ابتدا به حقوق اساسی اولیه، آزادی،

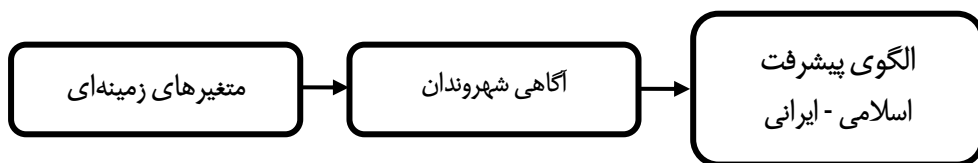
فرصت‌ها و منابع نیاز دارند. در حقیقت، شهروندان از حقوق خود، با رعایت حقوق دیگران برای پیشبرد منافع شخصی استفاده می‌کنند.

فرد تواین معتقد است که در رویکرد شهروندی، نیاز به رویکردی کلی‌نگر داریم که در این رویکرد شهروندی تنها استقلال فردی را تفویض نمی‌کند بلکه روشن می‌سازد که شخصیت و فردیت ما ریشه در اجتماع دارد. بنابراین نمی‌توان تنها یکی از جنبه‌های شهروندی را در نظر گرفت، چنانکه لیبرال‌ها با حقوق بازار و یا اجتماع‌گرایان با مسئولیت‌ها چنین برخوردی دارند و انتظار هم داشت که شهروندی مؤثر واقع گردد. تئوری کلی‌گرا از شهروندی که وابستگی متقابل بین حقوق و مسئولیت‌ها را در نظر دارد، بدین معنی است که باید یکی را به دیگری وابسته کرد. به عنوان مثال وابسته کردن حقوق به کار سبب خواهد شد که افراد فرصت لازم برای پرورش احساس تعهد در قبال جامعه را از دست بدهند. مسئله مهم این است که باید پایه‌های مادی شهروندی و ارتباط مستقیم بین امکاناتی که افراد دارا می‌باشند و تمایل و فرصت‌های آن‌ها برای اجرای حقوق و مسئولیت‌هایشان تشخیص داده شود. برای اینکه مسئولیت‌ها و حقوق به عنوان موضوعاتی مشروع و قانونی تلقی شوند، باید به یک اخلاق مشارکتی گسترده‌تر از آنچه مد نظر لیبرال‌ها است، پیوند داشته و پایه‌های این اخلاق باید توسط حقوق اجتماعی گسترده و فراگیر محکم شوند.

کارل مارکس^۱ با زیربنا قرار دادن اقتصاد و تأثیر آن بر نقش‌های اقتصادی افراد، جامعه را با دو طبقه حاکم و زیردست مشخص می‌کند و عرصه جامعه را عرصه‌ی مبارزه همیشگی این دو طبقه دانسته و عنوان می‌کند طبقات اجتماعی بازیگران واقعی در فرآیند تاریخ بوده و تحولات ملی و محلی صرفاً جنبه‌ای از این فرآیند به شمار می‌آید. مارکس جامعه مدنی را همان بورژوازی می‌داند که عرصه مبتنی بر بازار و مالکیت خصوصی است. اعلامیه حقوق بشر و شهروندی نیز صورت ظاهری برای پنهان کردن واقعیت و نقابی بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. به زعم مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی - اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. براین اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی دارای حقوق شهروندی نیستند؛ لذا باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوقشان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت (شیانی، ۱۳۸۲).

۱. Karl Heinrich Marx

کارل مارکس آگاهی طبقاتی و آگاهی کاذب عمیقاً به آثار مارکس وابسته است. هردوی این آگاهی‌ها به نظام‌های فکری تقسیم‌شده توسط طبقات اجتماعی، اشاره دارد. در نظام سرمایه‌داری، هم سرمایه‌داران و هم کارگران ارزیابی نامناسبی از نحوه کار نظام، نقش و منافع آن‌ها در آن (آگاهی کاذب) دارند. در جریان استقرار کمونیسم، این احتمال وجود دارد که طبقه کارگر مفهوم درستی از نحوه کار سرمایه‌داران و تأثیر آن (آگاهی طبقاتی) کسب نمایند. ویژگی نظام سرمایه‌داری آن است که هم طبقه کارگر و هم طبقه سرمایه‌دار، آگاهی کاذب دارند. نظریه عوامل واسطه‌ای؛ امروزه نقش عوامل واسطه‌ای (رسانه‌ای) در جامعه‌پذیری و آگاهی بخشی به‌طور گسترده مورد قبول قرار گرفته است. طبق این نظریه افراد از طریق رسانه‌ها آگاهی‌های مختلف کسب می‌کنند و هویتشان ساخته می‌شود (مک کوایل، ۱۳۸۸: ۴۵۲).



روش تحقیق

روش تحقیق مورد نظر در این پژوهش، پیمایشی و از نظر ماهیت توصیفی و ابزار مورد نظر پرسشنامه می‌باشد. پژوهش از جنبه هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش از بین شهروندان ساکن در محلات ۵ منطقه منتخب شهر تهران (۲ و ۵ و ۱۲ و ۱۸ و ۲۱) می‌باشند. روش نمونه‌گیری با توجه به موضوع و هدف «تصادفی ساده» جمعیت مناطق مورد مطالعه در مجموع برابر ۲,۳۹۷,۷۰۹ نفر جمعیت که ۲۷,۵ درصد جمعیت شهر تهران را تشکیل می‌دهد و مساحت این ۵ منطقه ۲۳۰,۶۴ کیلومتر مربع می‌باشد. تعداد نمونه در این پژوهش بر مبنای تحلیل جمعیت است. بنابراین با داشتن مجموع جمعیت در ۵ منطقه جامعه آماری به تعداد ۲,۳۹۷,۷۰۹ با سطح اطمینان ۹۵٪ و واریانس متوسط ۱۲ برای ارزیابی متغیرها تعداد نمونه برابر با ۱۲۰۰ نمونه به‌دست آمده است. همچنین برای به دست آوردن تعداد نمونه‌ها برای هر منطقه از نسبت جمعیت هر منطقه را به جمعیت کل ۵ منطقه منتخب استفاده گردید. برای انتخاب نمونه آماری مناسب و قابل قبول برای اجرای آزمون‌ها و گردآوری داده‌ها، از فرمول کوکران برای مشخص نمودن حجم و اندازه نمونه آماری استفاده گردید.

$$n = \frac{\frac{Z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{Z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

که در آن؛ N = جامعه آماری (۲,۳۹۷,۷۰۹ نفر)، P = احتمال وقوع صفت (۰/۵)، q = عدم احتمال وقوع صفت (۰/۵)، d = مقدار خطای مجاز (۰/۰۵)، n = تعداد حجم نمونه (۱۲۰۰ نفر) می‌باشد. بر اساس فرمول نمونه‌گیری فوق، تعداد ۱۲۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

جدول (۱): حجم نمونه جمعیت به تفکیک مناطق

ردیف	عنوان مناطق	تعداد جمعیت						جمع کل نمونه		
		مرد			زن					
		فراوانی		تعداد	فراوانی		تعداد			
		درصد	تعداد		درصد	تعداد				
۱	۲	۳۴۳,۰۳۳	۴۹٪	۱۷۱	۳۵۸,۲۷۰	۵۱٪	۱۷۷	۷۰۱,۳۰۳	۲۹٪	۳۴۸
۲	۵	۴۲۱,۴۴۴	۴۹٪	۲۱۱	۴۳۶,۹۰۲	۵۱٪	۲۲۱	۸۵۸,۳۴۶	۳۶٪	۴۳۲
۳	۱۲	۱۲۲,۲۶۱	۵۰٪	۶۰	۱۱۹,۱۷۰	۵۰٪	۶۰	۲۴۱,۸۳۱	۱۰٪	۱۲۰
۴	۱۸	۲۱۳,۹۱۳	۵۰٪	۱۰۸	۲۰۵,۹۶۹	۵۰٪	۱۰۸	۴۱۹,۸۸۲	۱۸٪	۲۱۶
۵	۲۱	۸۹,۸۹۳	۵۱٪	۴۳	۸۶,۴۵۴	۴۹٪	۴۱	۱۷۶,۳۴۷	۷٪	۸۴
	جمع کل	۱,۱۹۰,۹۴۴	۴۹٪	۵۹۳	۱,۲۰۶,۷۱۵	۵۱٪	۶۰۷	۲,۳۹۷,۷۰۹	۱۰۰٪	۱۲۰۰

جمعیت مناطق منتخب برگرفته از درگاه ملی آمار به نشانی amar.arg.ir بر اساس نتایج آخرین سرشماری جمعیت توسط مرکز ملی آمار سال ۱۳۹۵ می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌گویان

جدول (۲): توزیع فراوانی تعداد پاسخگویان در مناطق منتخب

منطقه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
۲	۳۴۸	۲۹	۲۹
۵	۴۳۲	۳۵,۹	۶۴,۹
۱۲	۱۲۰	۱۰,۱	۷۵
۱۸	۲۱۶	۱۸	۹۳
۲۱	۸۴	۷	۱۰۰

منطقه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	

در جدول شماره (۲) نشان می‌دهد، تعداد پاسخگویان بعد از آزمون کوکران تعداد ۱۲۰۰ نفر که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ و نسبت توزیع جمعیت در سطح مناطق مورد پژوهش تعیین شد. بیشتر پاسخگویان با فراوانی (۳۵,۹) درصد یعنی ۴۳۲ نفر، از منطقه ۵ احصاء گردیده و بعد از آن منطقه ۲ با (۲۹) درصد فراوانی به تعداد ۳۴۸ نفر می‌باشد، منطقه ۲۱ با فراوانی (۷) درصد با توجه به جمعیت سطح منطقه و حذف محدوده حریم کمترین پاسخ‌دهندگان را داشته است.

جدول (۳): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
زن	۶۰۲	۵۰,۲	۵۰,۲
مرد	۵۹۸	۴۹,۸	۱۰۰
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	

جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، پاسخگویان از نظر جنس با میزان فراوانی تقریباً یکسانی برخوردارند. بدین ترتیب که پاسخگویان زن با فراوانی (۵۰,۲٪) یعنی ۶۰۲ نفر و پاسخگویان مرد با فراوانی (۴۹,۸٪) یعنی ۵۹۸ نفر پاسخ داده‌اند.

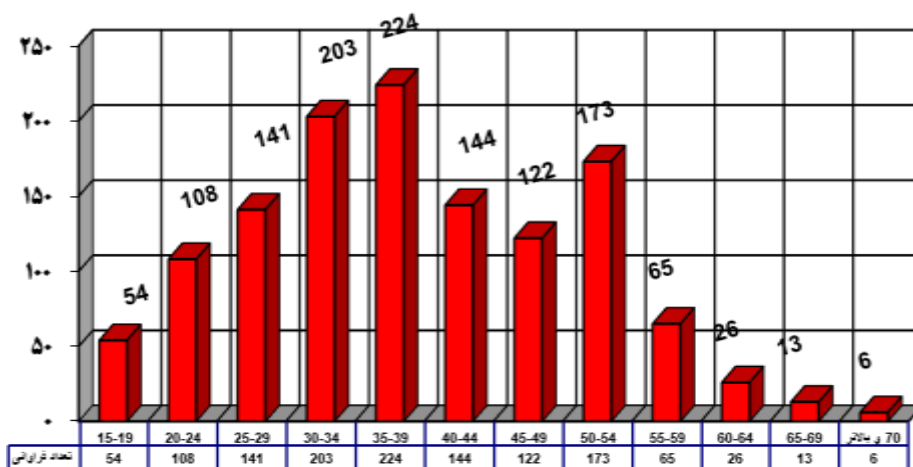
جدول (۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی ۵ ساله

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
۱۵-۱۹	۵۴	۴,۵	۴,۵
۲۰-۲۴	۱۰۸	۹	۱۳,۵
۲۵-۲۹	۱۴۱	۱۱,۷	۲۵,۲
۳۰-۳۴	۲۰۳	۱۷	۴۲,۲
۳۵-۳۹	۲۲۴	۱۸,۶	۶۰,۸
۴۰-۴۴	۱۴۴	۱۲	۷۲,۸
۴۵-۴۹	۱۲۲	۱۰,۲	۸۳,۰
۵۰-۵۴	۱۷۳	۷,۸	۹۰,۸
۵۵-۵۹	۶۵	۵,۴	۹۶,۲
۶۰-۶۴	۲۶	۲,۲	۹۸,۴
۶۵-۶۹	۱۳	۰,۸	۹۹,۵

۷۰ و بالاتر	۶	۰,۳	۱۰۰
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	

جدول شماره (۴): نشان می‌دهد، بیشترین تعداد پاسخگویان بین سنین ۳۵-۳۹ سال یعنی با (۱۸,۶) درصد فراوانی قرار گرفته‌اند و کمترین تعداد پاسخگویان با فراوانی (۰,۳) درصد می‌باشند. (۸۳,۰) درصد پاسخگویان کمتر از ۵۰ سال دارند. از مجموع ۱۲۰۰ پاسخگو دامنه تغییرات سن بین ۱۵ تا ۷۹ سال قرار داشته است که ۱۹ نفر آنان بیشتر از ۶۵ سال بوده‌اند. میانگین سن پاسخگویان (۳۷,۸۴) سال، میانه برابر با (۳۷,۰۰) سال و نما برابر با (۳۹,۰۰) سال می‌باشد. نیمی از جامعه زیر ۳۷ سال و نیمی دیگر بالای ۳۷ سال دارند.

نمودار (۱): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی



جدول (۵): توزیع فراوانی تعداد پاسخگویان بر اساس تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
سیکل و پایین‌تر	۱۲۳	۱۰,۲	۱۰,۲
دیپلم	۳۲۲	۲۶,۸	۳۷,۱
فوق‌دیپلم	۱۷۶	۱۴,۷	۵۱,۸
لیسانس	۳۷۰	۳۰,۸	۸۲,۶
فوق‌لیسانس	۱۶۶	۱۳,۸	۹۶,۴

۱۰۰	۳,۶	۴۳	دکتری و بالاتر
	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

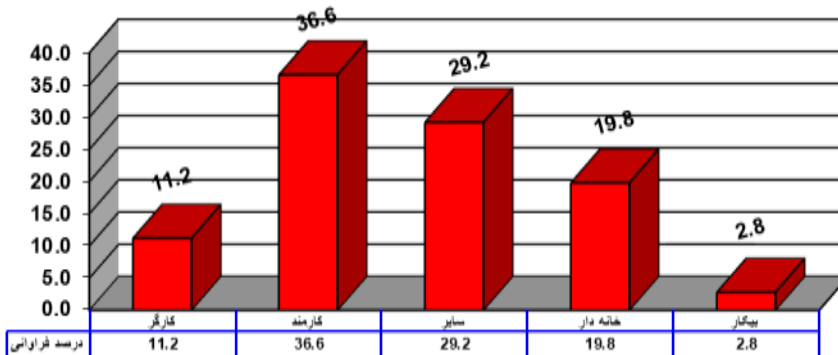
جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، بیشترین سطح سواد پاسخگویان با فراوانی (۳۰,۸) درصد دارای مدرک لیسانس می‌باشد. دکتری کمترین درصد فراوانی یعنی (۳,۶) درصد می‌باشد. میانگین تحصیلات اظهار شده (۳,۲۱) است که نزدیک به فوق‌دیپلم می‌باشد. میانه برابر با (۳) و نما برابر با (۴) است که نشان‌دهنده این است، جامعه مورد بررسی از لحاظ تحصیلات و سواد تقریباً دارای توزیع نرمال می‌باشد.

جدول (۶): توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شغل

شغل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کارگر	۱۳۴	۱۱,۲	۱۱,۲
کارمند	۴۳۹	۳۶,۶	۴۷,۹
سایر	۳۵۰	۲۹,۲	۷۷,۲
خانه‌دار	۲۳۸	۱۹,۸	۹۷,۲
بیکار	۳۴	۲,۸	۹۹,۶
بی‌جواب	۵	۰,۴	۱۰۰
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	

جدول شماره (۶) نشان می‌دهد، بیشتر پاسخگویان کارمند با (۳۶,۶) درصد فراوانی و بعد از آن با (۲۹,۲) درصد فراوانی شغل خود را سایر اعلام نموده‌اند و کمترین تعداد پاسخگویان بیکار با (۲,۸) درصد فراوانی می‌باشند.

نمودار (۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شغل



گویه‌های آگاهی شهروندی

جدول (۷): توزیع فراوانی ارزش‌های گویه‌های آگاهی شهروندی

تعداد	توزیع فراوانی (درصد)					گویه
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۱۲۰۰	۱,۴	۲,۲	۱۳,۴	۳۱,۴	۵۱,۶	ضرورت آموزش شهروندی
۱۱۹۹	۱,۷	۴,۸	۲۸,۳	۳۸,۸	۲۶,۴	آشنایی با مقررات شهروندی
۱۱۸۹	۶,۶	۱۲,۳	۲۸,۳	۳۴,۷	۱۸,۲	پیشرفت محور بودن مقررات و سازوکارهای محیط زندگی
۱۱۹۷	۶,۳	۱۱,۷	۲۴,۵	۳۳,۵	۲۴,۰	مناسب و سازنده بودن برنامه‌های آگاه‌سازی
۱۱۹۴	۲,۳	۷,۱	۲۰,۹	۳۳,۳	۳۶,۳	پذیرای آشنا شدن با فرآیند شهروندی نوین
۱۱۹۷	۲,۳	۵,۴	۱۱,۴	۲۷,۸	۵۳,۱	مسئله آلودگی هوای شهر تهران
۱۱۹۷	۴,۲	۱۲,۳	۲۷,۴	۲۸,۳	۲۷,۸	توسعه‌نیافتگی ناشی از عدم مسئولیت‌پذیری
۱۱۹۳	۳,۶	۱۰,۴	۳۱,۶	۳۴,۰	۲۰,۴	آشنایی با اختیارات و محدودیت‌های خدمات شهری
۱۱۹۶	۱۸,۳	۲۱,۸	۲۵,۷	۲۰,۹	۱۳,۳	اطلاعات پایه در خصوص معاملات الکترونیکی و بورس
۱۱۹۴	۴,۰	۷,۷	۲۱,۱	۳۶,۴	۳۰,۷	علاقه به آموزش و مهارت‌های شهروندی
۱۱۹۸	۹,۸	۱۱,۶	۲۱,۵	۲۷,۶	۲۹,۵	کسب اطلاعات از طریق رادیو و تلویزیون
۱۱۹۷	۶,۳	۱۰,۴	۱۹,۶	۲۷,۹	۳۵,۷	کسب اطلاعات از طریق شبکه‌های مجازی
۱۱۹۷	۲۱,۲	۱۶,۵	۲۱,۸	۲۱,۵	۱۹,۰	کسب اطلاعات از طریق روزنامه و مجلات
۱۱۸۴	۴,۶	۵,۸	۱۵,۰	۲۳,۷	۵۰,۸	استفاده از کمربند هنگام رانندگی
۱۱۹۳	۶,۵	۱۲,۶	۲۷,۴	۲۸,۱	۲۵,۵	استفاده در همه شرایط از حقوق سیاسی
۱۱۹۴	۸,۲	۹,۶	۲۵,۴	۳۳,۱	۲۳,۷	توسعه محور بودن آداب و سنت‌های زندگی اسلامی- ایرانی
۱۱۹۷	۷,۹	۱۲,۲	۲۴,۱	۲۵,۷	۳۰,۱	لذت از هنر (نقاشی، موسیقی، خط و ...)
۱۲۰۰	۷,۸	۱۱,۲	۲۱,۶	۲۸,۴	۳۰,۹	جداسازی و بازیافت زیاده در مبدأ
۱۱۹۵	۷,۲۲	۱۱,۰۳	۲۳,۰۵	۲۹,۲۹	۲۸,۹۳	متوسط

براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۷) میانگین ۹۹/۶ درصد جامعه آماری (۱۱۹۵ نفر از

۱۲۰۰) نفر به سؤالات مربوط به آگاهی شهروندان پاسخ داده‌اند که از این نظر بسیار عالی است و تعداد بی‌جواب‌ها در این گویه‌ها بسیار اندک (۵ نفر) یعنی ۰,۴ درصد است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

سؤال ۱: آموزش شهروندی را امری لازم و ضروری می‌دانم.

(۸۳,۰) درصد پاسخگویان با گزینه خیلی زیاد و زیاد که نشان می‌دهد که آموزش شهروندی امری بسیار مهم تلقی می‌شود. و فراوانی (۳,۶) درصد گزینه کم و خیلی کم را اعلام نموده‌اند. با گسترش شهرنشینی در دهه‌های اخیر؛ نیاز به آموزش مناسب شهروندان یکی از نیازهای اساسی شهروندان جهت نیل به پیشرفت به شمار می‌رود.

سؤال ۲: به قوانین و مقررات مربوط به شهروندی آشنا هستم.

در پاسخ به این سؤال فراوانی (۶۵,۲) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۶,۵) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را مشخص نموده‌اند. لذا بیش از نیمی از جامعه آماری به قوانین و مقررات مربوط به شهروندی آشنا هستند و تعداد کمی به قوانین و مقررات آشنایی کمی دارند. با توجه به یافته‌ها شهروندان برابر قوانینی که به آن‌ها آشنا هستند برخورد می‌کنند و این در انسجام شهروندان و استفاده از منافع عمومی مهم و اساسی است. هرچقدر ارتباط مردم با نهادها، بالا رود باعث می‌شود، شهروندان نسبت به قوانین و مقررات شهروندی آشنایی بیشتری داشته باشند. از آنجائیکه شهروندان در چگونگی پیشرفت شهری و جامعه نقش بسزایی دارند، بر این اساس لازم است، با جزئیات قوانین و مقررات شهروندی آشنا باشند.

سؤال ۳: سازوکارها و مقررات فرهنگی محیط زندگی خود را پیشرفت محور می‌دانم.

در پاسخ به این سؤال فراوانی (۵۲,۹) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۱۸,۹) درصد فراوانی گزینه های خیلی کم و کم را مشخص نموده‌اند. لذا بیش از نیمی از جامعه آماری سازوکار و مقررات فرهنگی محیط زندگی خود را پیشرفت محور دانسته و تنها فراوانی کمی معتقدند که مقررات و سازوکارهای زندگی پیشرفت محور نیست. اگر بتوانیم سازوکار و مقررات فرهنگی را در محیط زندگی شهروندان جاری و ساری کنیم و آن‌ها این مقررات و سازوکارها را دقیق و به موقع شناسایی و برابر آن اقدام کنند، بسیاری از مشکلات پیشرفت محیط زندگی حل می‌شود.

سؤال ۴: برنامه‌های آگاه‌سازی در زمینه مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را سازنده و مناسب می‌دانم.

(۵۷,۵) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد را اظهار کرده‌اند که نشان می‌دهد بیش از نیمی از جامعه

آماری معتقدند برنامه‌های آگاه‌سازی مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی (۱۸,۹) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را مشخص نموده‌اند. لذا بیش از نیمی از جامعه آماری سازوکار و مقررات فرهنگی محیط زندگی خود را پیشرفت محور دانسته و تنها فراوانی کمی معتقدند که مقررات و سازوکارهای زندگی پیشرفت محور نیست. هر چقدر شهروندان در محیط زندگی آگاهی خود را نسبت به مؤلفه‌های ذکر شده افزایش دهند به همان میزان در شهروندان، این آگاهی‌ها نهادینه شده و آن‌ها را جهت اجرای قوانین و مقررات وضع شده شهروندی هدایت می‌کند. آگاه‌سازی و آموزش شهروندان در جامعه نقش بسزایی در جهت پیشبرد اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را دارد. با آگاه‌سازی و ایجاد حساسیت شهروندان نسبت به مسئولیت‌پذیری و پیشرفت محوری می‌توان امیدوار بود که سبک زندگی شهروندان به سوی پیشرفت محوری حرکت می‌کند. البته این آگاه‌سازی باید مناسب، خلاقانه و به بهره‌گیری از رسانه‌ها و تکنولوژی باید با هنرمندی تمام صورت گیرد.

سؤال ۵: من پذیرای آشنا شدن با فرآیند شهروندی نوین شهروندی می‌باشم.

(۶۹,۶) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد را اظهار کرده‌اند که نشان می‌دهد بیش از نیمی از جامعه آماری پذیرای آشنا شدن با فرآیند شهروندی نوین می‌باشند و (۹,۴) درصد گزینه‌های خیلی کم و کم را مشخص نموده‌اند که درصد کمی از جامعه آماری به آشنا شدن با فرآیند شهروندی نوین علاقه‌ای ندارند. لذا در این بُعد از آگاهی، شهروندان دارای اطلاعات و دانش خوبی هستند. از آنجائیکه شهروندی با مدرنیته پیوند دارد و شهروندان دارای حق مشارکت هستند و نظر به اینکه برای رسیدن به پیشرفت محوری از مدرنیته شدن باید مدد گرفت و هیچ راه‌گزینی از مدرنیته نیست، لذا لازم است ضمن استفاده از مدرنیته و ابزاری که مدرنیته به ارمغان می‌آورد در جهت تغییر سبک زندگی و سوق دادن شهروندان به سمت پیشرفت محوری، از آسیب‌های مدرنیته که موجب اخلال در مسیر پیشرفت می‌شود هم جلوگیری کرد و آن را مورد توجه قرار داد. بحث شهروندی نوین، در راستای بحث آگاهی و دانش شهروندی حائز اهمیت است. شیوه زندگی شهروندان که در حال به عنوان سبک زندگی در حال اجراء بود، امروز تحت تأثیر تکنولوژی و نیل به توسعه، در حال دگرگونی و تغییر است و به سوی علوم نوین و شهروندی نوین در حال حرکت است. در این راستا نیاز به آگاهی دادن و آموزش شهروندان از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین بحث‌های شهروندی نوین می‌باشد.

سؤال ۶: می‌دانم که آلودگی هوا در شهر تهران یک مسئله ملی است.

در پاسخ به این سؤال فراوانی (۸۰,۹) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۷,۷) درصد فراوانی

گزینه‌های خیلی کم و کم را مشخص نموده‌اند. لذا درصد زیادی از پاسخگویان آلودگی هوای شهر تهران را به عنوان یک مسئله مهم تلقی نموده‌اند که نیاز است در این زمینه توجه ویژه‌ای شود. پس مسئله آلودگی هوا را به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار در سبک زندگی توسعه محوری باید مشخص نمود. بحث آلودگی هوای تهران به عنوان یک از معضلات زیست محیطی تلقی شده است، لذا حل مسئله آلودگی هوا به برنامه‌های مؤثرتری احتیاج دارد.

سؤال ۷: توسعه نیافتگی را ناشی از عدم مسئولیت‌پذیری شهروندان می‌دانم.

(۵۶,۱) درصد فراوانی جامعه آماری گزینه خیلی زیاد، زیاد را مشخص کرده‌اند که بیش از نیمی از جامعه آماری معتقدند توسعه نیافتگی ناشی از عدم مسئولیت‌پذیری شهروندان می‌باشد و (۱۶,۵) معتقدند که توسعه نیافتگی با مسئولیت‌پذیری شهروندان ارتباط ندارد. مسئولیت‌پذیری یک تعهد و الزام درونی است و براساس آن فعالیت‌هایی که شهروندان بر عهده می‌گیرند، انجام می‌دهند و رفتار افراد از دیدگاه‌های آنان سرچشمه می‌گیرد، امروزه بسیاری از مسائلی که باعث عدم توسعه نیافتگی جامعه می‌شود را می‌توان فقدان آگاهی شهروندان که منجر به عدم مسئولیت‌پذیری آنان می‌گردد، دانست. تحقق پیشرفت محوری مستلزم پایبندی عمومی به اصول توسعه و پیشرفت و مداخله مسئولانه شهروندان در اجتماع و محیط زیست است. توسعه مشارکت و مسئولیت‌پذیری (مسئولیت اجتماعی) به عنوان ابعاد توسعه تلقی می‌شود. این مسئولیت‌پذیری در سند الگو نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و این مهم محقق نمی‌شود، مگر اینکه شهروندان را نسبت به مسئولیت و مشارکت آگاه کنیم و دانش شهروندی آنان را در این بُعد تقویت نمائیم.

سؤال ۸: با مسئولیت‌ها، محدودیت‌ها، اختیارات و خدمات شهری آشنا می‌باشم.

در پاسخ به این سؤال (۵۴,۴) درصد فراوانی جامعه آماری گزینه خیلی زیاد، زیاد را مشخص کرده‌اند با بررسی فراوانی‌ها مشخص می‌شود که بیش از نیمی از شهروندان جامعه آماری با مسئولیت‌ها، محدودیت‌ها و خدمات شهری آشنا هستند و فراوانی (۱۴,۰) درصد با این محدودیت‌ها و مسئولیت‌های خدمات شهری آشنایی کمتری دارند. مسئولیت‌پذیری برای پیدا کردن و عمل به ارزش‌های زندگی و ارتقاء سطح زندگی لازم و ضروری است. از آنجائیکه نیازهای شهروندان نامحدود و منابع و خدمات شهری موجود در جامعه محدود می‌باشد، لازم است اولاً شهروندان نسبت به این محدودیت‌ها با افزایش آگاهی و دانش شهروندی آشنا باشند و آن‌ها را خوب بشناسند و ثانیاً اختیارات و خدمات موجود در شهر را فهم کنند و نسبت به آن‌ها با مسئولیت‌پذیری خود برخورد کنند و اگر لازم است از فرصت‌ها و

منافع عمومی در جهت رفاه استفاده نمایند، حد و حدود و توجه به محدودیت‌ها را در نظر داشته باشند. از این گویه هم می‌توان استنباط کرد که مسئولیت‌پذیری، توجه به محدودیت‌ها منابع یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی پیشرفت محوری می‌باشد.

سؤال ۹: اطلاعات پایه‌ای در خصوص بورس و معاملات الکترونیکی دارم.

(۳۴،۲) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۴۰،۱) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را اظهار کرده‌اند که نشان می‌دهد شهروندان اطلاعات خیلی کمی از بازار بورس و سرمایه و معاملات الکترونیکی دارند و تقریباً اکثر پاسخگویان دارای اطلاعات کمی هستند که لازم است این مورد به عنوان مؤلفه‌های آگاهی شهروندان مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه شهروندان همانگونه که در پاسخ به این گویه اظهار داشته‌اند، اطلاعات خیلی کمی از اینگونه معاملات الکترونیکی دارند که لازم است با آماده نمودن بستر لازم و زیرساخت مناسب و همزمان دادن آگاهی لازم و سواد معاملات الکترونیکی شهروندان را به سوی این گونه خدمات سوق دهیم. چرا که امروزه این صنعت به عنوان یکی از ابزارهای توسعه محوری جوامع تلقی می‌گردد.

سؤال ۱۰: به فراگیری آموزش‌ها و مهارت‌های لازم شهروندی علاقه‌مندم.

در پاسخ به این سؤال، پاسخگویان (۶۷،۱) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۱۱،۷) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را مشخص نموده‌اند. با توجه به اینکه بیش از نیمی از پاسخگویان علاقه‌مند به فراگیری آموزش‌ها و مهارت‌های شهروندی هستند. لازم است در زمینه این آموزش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز شهروندی اهتمام جدی قرار گیرد. این مؤلفه در جهت استحکام و انسجام شهروندان نقش بارزی دارد. این مهم در برگیرنده یادگیری دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که با ماهیت شهروندی هم‌خوانی دارد. ارائه یک الگوی مناسب برای آموزش شهروندان در جامعه اطلاعاتی امروزی، یکی از برنامه‌های مهم شهروندی محسوب می‌شود. شهروندان فارغ از جنسیت و تحصیلات در هر موقعیت اجتماعی نیازمند آموزش‌هایی جهت ارتقاء مهارت‌های خود به عنوان شهروند می‌باشند. چرا که در نهایت اثرات منفی ناآگاهی شهروندی و ضررهای آن مستقیماً به خود شهروندان برمی‌گردد. از این رو آموزش شهروندان و فراگیری مهارت یکی از نیازهای ضروری شهروندی است که با فراهم آوردن فرصت‌های برابر، عادلانه و امن اطلاعاتی برای همه شهروندان توأم با رعایت حق شهروندی بیش از پیش احساس می‌شود.

سؤال ۱۱: من از تلویزیون و رادیو جهت کسب اطلاعات مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ...

استفاده می‌کنم.

(۵۷,۱) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۲۱,۴) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را اظهار کرده‌اند که نشان می‌دهد بیش از نیمی از جامعه آماری اطلاعات مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را از طریق رسانه جمعی مانند رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنند. در این زمینه رسانه جمعی را به عنوان یکی از گویه‌های لازم آگاهی شهروندان باید مورد توجه قرار داد و آن را به عنوان یک پتانسیل بالقوه جهت آگاهی بخشی به شهروندان باید در برنامه آگاهی شهروندان قرار داد.

سؤال ۱۲: من از شبکه‌های مجازی جهت کسب اطلاعات مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... استفاده می‌کنم.

(۶۳,۶) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۱۶,۷) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را اظهار کرده‌اند. شهروندان بدلیل سهولت دسترسی، فارغ از مکان و زمان از شبکه‌های مجازی در جهت کسب اطلاعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... استفاده می‌کنند. در چنین جامعه‌ای که شهروندان با این وسعت بالای ۶۳ درصد از فضای مجازی استفاده می‌کنند، توانایی شهروندان در پردازش، ذخیره، انتقال، تولید و به کارگیری داده، اطلاعات و دانش در ابعاد ذکر شده از اهمیت بسزایی برخوردار است و تنها شهروندان شایسته، آگاه، با مهارت، دارای انگیزش و پاسخگو می‌توانند در ارتقاء سطح سبک زندگی فردی و اجتماعی خود در جهت نیل به پیشرفت نقش فعال داشته باشند. پس لازم است با وضع قوانین و حقوق فضای مجازی، ضمن قدرت جذب دانش و آگاهی از اقصی نقاط جهان، از آسیب‌های ناخواسته بدلیل عدم آگاهی و دانش شهروندی جلوگیری شود. و در ادامه برای آموزش شهروندان با این فضا شهروندان نیاز به آموزش و فراگیری مهارت به عنوان یک شهروند پویا و یک موجود اجتماعی در شهر را دارا می‌باشند. تحقق بخشیدن به این هدف والا نیازمند تحلیل و اولویت‌بندی درست، روشن و واضح می‌باشد.

سؤال ۱۳: از رسانه‌های مکتوب (روزنامه، مجلات و...) در طول روز جهت اطلاع از وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی استفاده می‌کنم.

پاسخویان با فراوانی (۴۰,۵) درصد گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۳۷,۷) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را اعلام نموده‌اند. به نظر می‌رسد که بیشتر جامعه آماری از سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی مثل رسانه و شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند.

سؤال ۱۴: من هنگام رانندگی از کمربند ایمنی استفاده می‌کنم.

(۷۴،۵) درصد از پاسخگویان گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۱۹،۱) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را اظهار نموده‌اند. با بررسی فراوانی پاسخگویان که تعدادی زیاد اظهار داشته‌اند که از کمربند ایمنی استفاده می‌کنند، می‌توان گفت که این امر با فرهنگ‌سازی مناسب در بین شهروندان نهادینه شده است و امروزه تبدیل به یک فرهنگ شده، نهادینه سازی در بین شهروندان خود منجر به ایجاد سبک زندگی در بین آن‌ها می‌شود. برای اینکه بتوان یک مسئله‌ای را در بین شهروندان نهادینه کرد، لازم است ابتدا آگاهی و دانش شهروندان را نسبت به محاسن و معایب آن آگاه کرد، که این مهم محقق نخواهد شد، مگر با آموزش و آگاهی دادن به شهروندان در زمینه‌های مناسب شهروندی. برای فرهنگی سازی باید همه نهادها، سازمان ها، **NGO**ها، نخبگان، روحانیون، صاحبان تربیون و ... مشارکت نمایند تا این انتقال آگاهی و دانش به شهروندان در زمینه های مختلف مانند کمربند ایمنی که نهادهای کوناگونی مانند صدا و سیما، پلیس و... که مشارکت کردند، نهادینه شود. وقتی امری در بین مردم نهادینه شد، در سبک زندگی آنان نیز نهادینه می‌شود و می‌توان آن را در جهت پیشبرد پیشرفت استفاده کرد.

سؤال ۱۵: در همه شرایط از حقوق سیاسی خود استفاده می‌کنم.

(۵۳،۶) درصد از پاسخگویان گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۲۵،۴) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را اظهار نموده‌اند. بر اساس نتایج در مجموع پاسخگویان اظهار دارند که ضمن آگاهی از حقوق سیاسی از آن در همه شرایط بهره می‌گیرند. استفاده شهروندان از حقوق سیاسی در چارچوب قانون اساسی کشور تعریف شده است و استفاده شهروندان از این حقوق از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد. به عبارتی دیگر آزادی و برابری شهروندان در برخورداری از حقوق سیاسی خود از اصول اساسی و بنیادی جامعه دموکراسی می‌باشد و در این رهگذر شهروندان نیز نسبت به این حقوق دارای وظایف و مسئولیت‌های متقابل می‌باشند که این مهم در پرتوی آگاهی بخشی به شهروندان قابل اجراء بوده و عین حال ابزاری برای افزایش آگاهی و دانش شهروندی می‌باشد. چرا که با این مشارکت شهروندان می‌توان متظر رسیدن جامعه به یک سبک زندگی پیشرفت محور بود.

سؤال ۱۶: آداب و سنت‌های زندگی اسلامی و ایرانی را پیشرفت محور می‌دانم.

فراوانی (۵۶،۸) درصد از پاسخگویان گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۱۷،۸) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را انتخاب کرده‌اند که در این گویه از نظر پاسخگویان که بیش از نیمی از جامعه آماری را شامل می‌شود، اظهار نموده‌اند که آداب و سنت‌های زندگی بر سبک اسلامی و ایرانی را پیشرفت محور می‌باشد با بررسی دقیق‌تر از دید پاسخگویان مشخص شد که سبک زندگی اسلامی و ایرانی را

می‌توان به عنوان یکی از گویه‌های آگاهی مورد توجه قرار داد. و با رجوع به منابع اسلامی و ظرفیت‌های جامعه و کشور ایران، می‌توان سبک زندگی اسلامی- ایرانی را به عنوان یک الگو و سبک واحد ترکیبی برای سرلوحه قرار دادن در زندگی شهروندان به عنوان سبکی جهت‌نیل به پیشرفت در نظر گرفت. بنابراین باید سبک زندگی اسلامی- ایرانی را در جامعه ترویج داد و مردم را با مؤلفه‌های این نوع زندگی آشنا کرد و با کمک فرهنگ و آداب و رسوم خود، عادت و شیوه‌های مرسوم زندگی شهروندان را با معیار سبک زندگی پیشرفت‌محور مناسب جایگزین نمود.

سؤال ۱۷: من از هنر (نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، خط و ...) لذت می‌برم.

فراوانی (۵۵٫۸) درصد از پاسخگویان گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۲۰٫۱) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را پاسخ داده‌اند که نشان می‌دهد این گویه هم از نظر پاسخگویان دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ اهمیت فرهنگ و هنر در مسیر رشد و تعالی یک جامعه بر کسی پوشیده نیست و همگان بر این موضوع واقف هستند که فرهنگ و هنر اساس و بنیان یک جامعه را پی‌ریزی می‌کند. که این مهم در مبانی جامعه‌شناختی و تدابیر الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی مورد تأکید مکرر قرار گرفته است.

سؤال ۱۸: من جداسازی و بازیافت زباله‌ها را در مبداء انجام می‌دهم.

پاسخگویان با فراوانی (۵۹٫۳) گزینه خیلی زیاد، زیاد و (۱۹) درصد فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم را اظهار کرده‌اند. شعاری وجود دارد به عنوان «بازیافت مساوی با توسعه»، چرا که امروزه رشد و تعالی و توسعه جوامع بر مبنای معیارهای گذشته ارزیابی نمی‌شود، بلکه بر میزان پایبندی جوامع به مسایل زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی و به ویژه در سال‌های اخیر بازیافت زباله، یعنی حفظ محیط زیست و گسترش فرهنگی بازیافت زباله معطوف است. البته در کشور ما و بویژه شهروندان بدلیل کمبود آگاهی در این زمینه گاه‌گاه در بازیافت زباله کم‌کاری می‌نمایند، که این مهم نیاز به آگاهی بخشی و افزایش دانش شهروندی را می‌طلبد. چرا که حفظ سرمایه ملی (محیط زیست)، بهترین راه جهت نیل به پیشرفت قلمداد می‌گردد.

نتیجه‌گیری

از آنجا که هدف نهایی انقلاب اسلامی ایران بر اساس بیانات و تأکیدات فراوان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ایجاد تمدن اسلامی است؛ از این‌رو الگو پیشرفت اسلامی- ایرانی تدوین گردید. این الگو در صورتی می‌تواند نویدبخش تمدن اسلام باشد که تمامی ابعادش همچون مبانی، رسالت،

مأموریت‌ها، فرآیندها، راهبردها، روش‌ها و نظریه‌ها از قابلیت لازم برخوردار باشد. از سوی دیگر ضرورت آموزش، تقویت و ارتقای آگاهی شهروندی روبه‌روز در حال افزایش است. و بدون هیچ اغراقی از میان همه عوامل تأثیرگذار بر تحقق الگوی پیشرفت، نقش آگاهی شهروندی بسیار پررنگ‌تر و جدی‌تر است، زیرا آگاهی مردم از حیث حقوق و مسئولیت‌ها زمینه تحقق این سند بنیادین را فراهم می‌کند و این مهم از وظایف سنگین همه مسئولین و مدیران و آحاد جامعه است. زیرا راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و قوانین در خلاء آگاهی شهروندی، به نتیجه قابل توجهی نخواهد رسید. بر این اساس نقش مردم در رسیدن به اهداف الگو بسیار حائز اهمیت است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر دانش و آگاهی شهروندی در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی انجام گردید.

نتایج این پژوهش نشان داد که آگاهی‌های محیط زیستی، آگاهی‌های آموزش شهروندی و آگاهی‌های مرتبط با قوانین و مقررات شهری بیشترین نقش را در ارتقاء الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی دارد.

نتایج این پژوهش بیانگر این واقعیت است که افزایش دانش و آگاهی شهروندی در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی نقش بسزایی در پیشبرد الگو دارد و منافع بالقوه‌ای را برای حکومت در پی دارد.

منابع

- آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. چاپ اول، تهران: نشر چاپار.
- آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، سیدعلی (۱۳۹۹/۰۶/۰۲). بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت. قابل دسترسی در سایت: <https://farsi.khamenei.ir>
- آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، سیدعلی (۱۳۹۱/۰۷/۲۳). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. قابل دسترسی در سایت: <https://farsi.khamenei.ir>
- سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷). قابل دسترسی در سایت: <https://farsi.khamenei.ir>
- عمید، حسن (۱۳۸۴). فرهنگ عمید شامل واژه‌های فارسی، لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی و اصطلاحات علمی و ادبی. چاپ سی و یکم، تهران: امیرکبیر.
- گلدانی، مهدی؛ قربانپور، علی (۱۴۰۱). مقایسه تطبیقی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و توسعه پایدار، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۰(۴)، ۳۵-۷.
- گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پرهام، چاپ سوم، تهران: نشر مازیار.
- مطهری نسب، مسعود؛ بید هندی، محمد (۱۴۰۱). نقد و بررسی الگوی پایه، اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر رویکرد تمدنی، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۰(۲)، ۳۵-۷.
- مندراس، هانری؛ گورویچ، ژرژ (۱۳۸۴). مبانی جامعه‌شناسی همراه با تاریخ مختصر جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، چاپ ششم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۳). افتتاحیه پنجمین کنفرانس سالانه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قابل دسترسی در: www.olgou.ir
- واژه‌نامه سند اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۴۰۰). تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ساعی ارسبی، ایرج؛ معصومه، احمدی (۱۳۹۶). تأثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی (مطالعه موردی شهر بوشهر)، علوم رفتاری، ۳۲(۲)، ۲۷-۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

نیازی، محسن؛ محمد، نصرآبادی (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین دینداری و سبک زندگی شهروندان (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۶ (۱)، ۲۱۳-۱۷۳.

کاویانی، محمد. (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. کلدی، علیرضا؛ پوردهناد، نگار (۱۳۹۱). بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران، مطالعات شهری، (۲)، ۴-۱، ۲۷.

جلائی‌پور، حمید رضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۸). نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

Pocock, J.G.A. (1995). "The Ideal of Citizenship Since Classical Times." In *Theorizing Citizenship*, ed. Ronald Beiner, 29-52. Albany: State University of New York Press.